اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتاد و چهار)

آخر الزمان (قسمت دوازده)

دفع دیوها (بخش هشتم)

خشکسالی

در نظام رحمانی نشانه های زیادی برای راهنمایی ما قرار داده شده است. وقتی شب است ، یعنی بخوابیم و به استراحت نیاز داریم. وقتی روز است یعنی زمان کار و تلاش و کوشش است. وقتی زمستان است یعنی شب طولانی تر است و انسانها به خواب و آرامش بیشتری نیاز دارند. وقتی خشکسالی است یعنی بیشتر مردم از نظام رحمانی خارج شده اند و جذب پندارهای منحرف شده اند. در این حالت باید مردم نسبت به خدای عالمیان خشوع و خضوع داشته باشند تا خدا مشکلشان را حل کند و به درگاه

خدای متعال درخواست نزول رحمت کنند. وقتی درآمدی کسب می کنیم، یعنی باید زکاتش را بپردازیم. وقتی نعمتی به ما میرسد، یعنی باید شکرگزاری کنیم. وقتی نام خدا برده میشود، یعنی باید او را ستایش کنیم. وقتی باران می بارد، یعنی خدا به ما لطف کرده است و ما هم در مصرف آن دقت کنیم و آن را به هدر ندهیم. خواسته های ما در هر زمانی متفاوت است. در خشکسالی، در شب، در روز ، در مشکلات و در خوشی ها، خواسته ها و واکنشها متفاوت است. نظام رحمانی با حالتهای بخصوصی که بوجود می آورد، با زبان واضح و مبین به جامعه مورد نظر می گوید که حالا وقت نماز است، حالا وقت خضوع و خشوع است، حالا وقت خواب است، حالا وقت تقاضا از خدا برای باران است ، حالا وقت شکرگزاری است و ...

این نوع واکنشهای صحیح در مقابل نشانه های رحمانی، نوعی شکرگزاری است. اگر در مقابل نشانه های رحمانی، عکس العمل مناسب را انجام ندهیم و بی توجه باشیم؛ یعنی ما این نشانه ها را نمی خواهیم. اگر ما به وقتش نخوابیم و به وقتش بیدار نشویم و به وقتش نماز نگذاریم و زکات ندهیم و در مصرف نزولات آسمانی صرفه جویی نکنیم؛ یعنی شب و روز و بارش باران و زمستان و تابستان و سایر نشانه ها برای ما بی اهمیتند. در نتیجه خدا این نشانه ها را بر میدارد. دیگر باران نمی بارد و خشکسالی بوجود میاید. این سنت خداست.

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود (۷)

وقتی نشانه های نظام خدای رحمان، نادیده گرفته شود یعنی شکرگزاری نشده است و در نتیجه این نشانه ها زیاد نمیشوند و بعد از مدتی قطع میشوند. اگر انسانها واقعا سپاسگزاری کنند، خدا آن نعمت را برایشان افزون خواهد کرد ولی اگر ناسپاسی کنند، دیگر خدا هم آن نعمت را بر میدارد. فرض کنید شما برای فردی چای می برید، او چای را نمی خورد و علاوه بر آن حتی تشکر هم نمی کند؛ قطعا بعد از تکرار این رفتار از او؛ شما دیگر برای او چای نمی برید. این یک قاعده ساده است. وقتی مردم به شب و روز توجه نمی کنند و نمازها را بجا نمی آورند و تابستان و زمستان برایشان اهمیتی ندارد و فقط در فکر گذشت زمان در فضای مجازی و تماشای تلویزیون و آهنگ و ... هستند، در آن صورت خدا این نشانه ها را بر میدارد؛ متاسفانه بیشتر مردم اینطوری میخواهند. قبلا در زمان قدیم، یعنی قبل از زمان زرتشت تعداد فصلهای سال ، هفت فصل بوده است. تابستان دارای دو فصل و همچنین زمستان دو فصل با خصوصیات متفاوت بوده است. در یکی از این فصلها در زمستان، کلا بارش برف بوده است. اما به مرور زمان این فصلها کاهش یافتند و تا چند سال پیش چهار فصل بودند. در آینده نزدیک هم تعداد فصلها از چهار فصل به دو فصل کاهش می یابد. یک فصل گرما و یک فصل سرما. هفت فصل و حتی چهار فصل ، در سلامت روانی انسان بسیار موثر بودند. خدای مهربان فصول چهارگانه و در زمان قدیم فصول پنجگانه و یا ششگانه و یا هفتگانه را آفرید، تا که حالت پیوستگی روانی انسان را منقطع کند. در فصل زمستان آدمی آرامتر میشود و بعد که بهار می آید، خوشحالتر

و امیدوارتر میشود. این تغییر روحیه ها را خود خدای رحمان با تغییرات فیزیکی در زمین برای ما بوجود می آورد زیرا خدا منت برما می نهد و بعضی مواقع، اجبارا روان ما را تغییر میدهد. بیشتر مشکلات بشر امروزی از پیوستگی روحی روانی اوست. اگر بشر مدام بر یک فکر و روال باشد، دچار توهمات میشود. ماهرترین پزشکان و روانپزشکان هم نمیتوانند به اندازه یک صدم نشانه های نظام رحمانی بر روان ما تاثیر گذار (یا گزار) باشند. تعداد لایه های جو بالای سر ما هم هفت لایه است. بمرور زمان این لایه های محافظتی ضعیف تر میشوند و یا شاید کمتر هم بشوند و در آن موقع بشر مجبور است که برای شهرها لایه های محافظ قرار دهد. اگر انسان با همین فرمان جلو رود، بدبختی های زیادی در انتظار او خواهد بود.

کسی که مثلا مدام مشغول فیلم نگاه کردن است و شبها دیر میخوابد و بجای شب، روزها می خوابد؛ این عادت او یک نوع ناسپاسی است؛ این فرد، زمستان و تابستان و سرما و گرما و روز و شب برایش فرق چندانی ندارد و هیچ تغییر روحی روانی در او پدید نخواهد آورد و این خودش یک نوع ناسپاسی است. این فرد صریحا با زبان پندار و زبان رفتارش اعلام میدارد که به این نشانه ها نیازی ندارد و بیشتر میخواهد فیلمهای عشق و عاشقی ببیند!

شیطان نمی تواند پا را از مرز معین شده فراتر بگذارد، مگر این که خود انسان بخواهد و او را فراخوانی کند. وقتی انسانها به نشانه های طبیعت و اقلیمی توجه نکنند و دقت نکنند و رعایت نکنند؛ آن نشانه ها به مرور زمان کمرنگتر میشوند. باید انسان در هر چیزی حجب و حیا و مرزی را رعایت کند و نگذارد دیوها به ذهن او سرک بکشند.

نزدیکیهای قیامت، بر اثر هبوط دوباره انسان، فصلها از بین میروند و همگی به یک فصل تبدیل میشود. وقتی بشر به نشانه های رحمانی توجه نمی کند، فصلهای متفاوت به دردش نمی خورد و حیف است که فصول چهارگانه زیبا و متنوع در اختیارش باشد؛ همان یک فصل برای او مناسبتر است. اما بعد که هبوط انجام شد، دیگر قابل برگشت نیست. آنوقت انسان مجبور میشود که بطور مصنوعی این فصلها را برای یک مکان مشخص و معین شبیه سازی کند و آن وقت متوجه خواهد شد که چه نعمت بزرگی را از دست داده است ولی حیف که دیگر قابل برگشت و قابل جبران نیست. افسوس فراوان برای انسان که متوجه نیست چه سرنوشتی در انتظارش است و به دستورات خدای رحمان بی توجهی میکند.

شیطان راه برگشتی به طرف خدا ندارد. به همین خاطر کارهایی که با وسوسه او انجام شود و باعث شود که انسان آن نعمت را از دست دهد، دیگر قابل جبران و برگشت نیست. متاسفانه انسان تا نعمتی را از دست ندهد، متوجه بود و نبود آن نخواهد شد. انسان نعمتهای زیادی را نسبت به زمان قدیم از دست داده است ولی زیاد متوجه نیست، انگار خودش اینجوری میخواهد! وقتی انسانها بوسیله فیلمها و آهنگها و کانالهای مجازی ، پندارشان را خراب کرده اند، در آن صورت دیگر طبیعت زیبا و متنوع را برای چی میخواهند! انسان متوجه سقوط و هبوط خود نیست و توجهی به این تغییرات اقلیمی ندارد. در بعضی شهرها، تابستان آنچنان گرم است که مردم تابستانها در طول روز همیشه در خانه اند و شبها بیرون میایند. این یعنی نشانه های شب و روز نظام رحمانی برای آنها از دست رفته است. حداقل انسان باید از خودش دلیل این

سقوط و هبوط را بپرسد و از آن درس گیرد. دیگر ما نمی توانیم تعداد فصلها را به هفت فصل زمان قدیم بر گردانیم ولی میتوانیم از کاهش تعداد آنها متوجه شویم که پندار و کردارمان اشتباه است و در نتیجه به درگاه خدای متعال توبه کنیم که بدتر از این نشود. درک نشانه های آخر دوره ها و زمانها بسیار مهم است و درس بزرگی به بشریت میدهد.

حالا دیگر متوجه میشویم که تنها دلیل خشکسالی ها، گرایش مردم به پندار بد است. وقتی شیطان نزدیک انسان شود و بوسیله پندار منحرف، او را تحت تاثیر قرار دهد و انسان را وادار به کردار و یا گفتار بد کند؛ در آن صورت شروع به نادیده گرفتن نشانه های رحمانی می کند و در نتیجه بارشهای طبیعی را از دست میدهد و فصلها را از دست میدهد و خشکسالی فقط یکی از این مصیبتهاست. هدف اصلی شیطان ایجاد پندار غلط در میان آدمیان است؛ پندار غلط در مورد زندگی، پندار غلط در مورد خدا و پندار غلط در مورد نظام رحمانی.

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾

فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی (۱۳)

بر اساس فرموده خدای مقدس در آیه بالایی متوجه میشویم که هر بار شیاطین نزدیک انسان شوند و انسانها را بطور جدی تحت تاثیر قرار دهند، شیاطین از مقام خود اخراج میشوند و همچنین امکانات زندگی انسانها هم محدودتر می شود و هبوط

پیدا می کنند. آن وقت انسان نمی تواند از امکانات قبلی استفاده کند و محیط زیست و اقلیم محل زندگیش، بایر تر میشود. در حالت عادی شیطان تا حدی میتواند به انسان نزدیک شود و او را وسوسه کند ؛ اما اگر انسان ذهن خویش را برای نزدیکتر شدن شیطان باز کند (یعنی موقعیت پندار بد)، یعنی اجازه داده است که شیطان برایش تصمیم بگیرد و بااین کار وارد نظام شیطانی شده است. خدا اجازه نمی دهد که انسان از نعمت رحمانی بهره برد و همزمان شیطان را وارد زندگی خویش هم کرده باشد. در بهشت همین اتفاق افتاد. وقتی شیطان برای بنی آدم تصمیم گرفت، و از درخت ممنوعه چشیدند؛ در آن صورت محیط زندگی آنان تغییر کرد و به کره زمین تبعید شدند. امکانات بهشتی را از دست دادند و در زمین باید برای تهیه هر چیزی بدوند. این نوع هبوط در دوره های مشخصی (آخر عصرها) در روی کره زمین برای انسانها و شیاطین تکرار خواهد شد.

مقدار آب موجود در زمین تغییری نمی کند ولی طریقه رسیدن آن به محیط زندگی انسانها فرق خواهد کرد. بارش برف و باران خیلی راحت تر و لذت بخش تر است. اما وقتی انسان هبوط کند، آنوقت باید آب شیرین کن بسازد و به وسیله تکنولوژی آن را مهیا کند. گسترش پندار بد در جامعه، باعث ورود شیاطین بصورت دیو مغناطیسی به زندگی انسانها میشود. هر انسانی یک همدم شیطانی دارد که نماینده ایده های شیطان است. همدم شیطانی ما تا محدوده مشخصی میتواند به ما نزدیک میشود. او فقط زمانی میتواند به انسان نزدیک تر شود و فشار بیشتری بیآورد که پی ببرد پندارمان نیک نیست. انسانها پندار نیک همدیگر را متوجه نمی شوند، زیرا ما از

باطن هم دیگر بی خبریم. اما همدم شیطانی ما از پندار نیک و یا بد ما خبر دارد. در صورتی که پندار ما نیک نباشد، همدم شیطانی ما بصورت دیو (شیطان جسمانی یا شیطان مغناطیسی) در محیط و وجود انسان نفوذ میکند. ما با پندار نیک خود، در دنیای پنهانی (محل زندگی اجنه و شیاطین) صحنه های خیر ایجاد می کنیم و شیاطین را از دخالت در زندگی انسانها و شورش و تکبر علیه خدای رحمان باز می داریم. انسانها باید با پندارهای نیک و دوری از پندارهای بد؛ مرز معنوی خود را با شیاطین مشخص کنند و همچنین با انجام کردار و گفتار نیک، مرز معنوی خویش را با انسانهای دیگر مشخص کنند تا نعمتهای زمینی را از دست ندهند و هبوط پیدا نکنند. انسانها باید از ارتباط با اجنه و شیاطین بطور جدی خودداری کنند. تنها راه اثرگزاری بر آنها، انتخاب پندار نیک و دوری از پندار بد در جریان زندگی است. هر روش دیگری به گمراهی ختم میشود. بنابراین کسانی که میخواهند محیط زندگیشان توسط دیوها و شیاطین هبوط پیدا نکند و از دست خشکسالی نجات یابند و نعمتهای خدا بر آنان نازل شود، باید سه نکته مهم زیر را در نظر داشته باشند.

الف- انتخاب پندار نیک و دوری از پندار بد = این انتخاب باعث تعیین مرز معنوی با دیوها و شیاطین میشود و از دخالت آنان در نظام رحمانی جلوگیری میکند و برجامعه آنها اثر می گزارد. یعنی برای تعیین مرز برای شیاطین و اثر گزاری بر آنها؛ نباید هیچ ارتباطی با آنها در قالب مدیتیشن، احضار و غیره صورت گیرد؛ بلکه کافیست که ما انسانها پندار نیک انتخاب کنیم و از پندار بد دوری کنیم.

ب- انتخاب کردار نیک و دوری از کردار بد = تعیین مرز معنوی با سایر انسانها و ایجاد صحنه های خیر و پشتیبانی از نظام رحمانی

ج- انتخاب گفتار نیک و دوری از گفتار بد = گسترش مرز معنوی صحیح به سایر انسانها و ملتها

مَن عَمِلَ صَالِحًا مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِن فَلَنحْيِيَنهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنجْزِيَنهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَن مَا كَانوا يَعْمَلُون ﴿٩٧﴾

هر کس از مرد یا زن **کار نیک** کند و مؤمن باشد (**پندار نیک** داشته باشد) قطعا او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد (۹۷)

خدای مهربان و مقدس، زمین را برای مردم نهاده است و امکانات و برگهای آن جوابگوی همه نیازهای انسان است، به شرطی که انسان از اندازه نگذرد و زیاده روی نکند. هر گونه پندار غلطی، باعث به هم ریختن این میزان خواهد شد. زیرا در صورت اخذ پندار غلط و بد و نامناسب ، شیاطین وارد ماجرا میشوند. شیطان لعنت شده است و نباید وارد نظام رحمانی شود و در آن دخالت کند و بنابراین در صورت ورود شیطان بصورت دیو به زندگی انسانها، انسان نعمتهای خدادادی را از دست میدهد و بارش برف و باران و سایر نعمتها کمتر میشود و در آن صورت فرشتگان به امر خدا، بعضی

سرویسها (مثلا بارش برف و باران و نگهداری لایه های محافظتی جو زمین و کنترل زلزله ها و ...) را نسبت به محیط زندگی انسانها قطع میکنند و در آن صورت، انسان باید بوسیله پول! و علمش آن را بدست آورد. زمانی خواهد رسید که حتی بیشتر مزرعه های روی زمین در شرایط عادی چیزی در آنها رشد نمی کند و انسانها باید با ایجاد شرایط گلخانه ای، محصولات مورد نیاز خویش را تولید کنند. تغییر اقلیم نوعی هبوط انسان است. تابحال انسان در فصلهای مختلف، در هر زمینی میتوانست محصولات بکارد و آن را برداشت کند. اما در آینده دیگر باید شرایط گلخانه ای بوجود آورد تا بتوان کاشت و برداشت کند. آیا روش قبلی خوب بود یا این روش؟

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿۱۲۴﴾

و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم (۱۲۴)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿۱۲۵﴾

می گوید پروردگارا چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه بینا بودم (۱۲۵)

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿۱۲۶﴾

می فرماید همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی امروز همان گونه فراموش می شوی (۱۲۶)

تغییرات اقلیمی و اجتماعی و رفتاری و اخلاقی ، همان زیان و خسرانی است که در سوره العصر از آن صحبت شده است،

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

سوگند به عصر [دوره زمانی] (۱)

إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

مگر کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای نیک کرده (کردار نیک) و همدیگر را به حق سفارش (گفتار نیک) و به شکیبایی (گفتار صبر) توصیه کرده اند (۳)

زمین سردتر خواهد شد و این یک اتفاق قطعی و بدیهی است. اکثر مردم فکر میکنند که زمین گرم تر خواهد شد، ولی اگر زمین خیلی گرم شود، یخهای قطبهای زمین ذوب میشوند و بیشتر خشکیها زیر آب میروند. بنابراین برای امکان ادامه حیات در زمین، طی اتفاقی که خدا خودش تعیین میکند (شاید برخورد یک شهاب سنگ و یا هر اتفاق دیگری)، زمین سردتر میشود و آن موقع کشاورزی بدون شرایط گلخانه ای خاص، امکان پذیر نخواهد بود. خدا زندگی بشر را در روی زمین سامان بخشیده

بود، ولی انسان با وارد کردن شیطان بصورت دیو در زندگی خویش، آن سامان را از دست خواهد داد.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿٦﴾

ای انسان چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾

همان کس که تو را آفرید و [اندام] تو را درست کرد و [آنگاه] تو را سامان بخشید (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾

و به هر صورتی که خواست تو را ترکیب کرد (۸)

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ﴿٩﴾

با این همه شما منکر [روز] جزایید (۹)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾

و قطعا بر شما نگهبانانی [گماشته شده]اند (۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾

[فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند (۱۱)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾

آنچه را می کنید می دانند (۱۲)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿۱۳﴾
قطعا نیکان به بهشت اندرند (۱۳)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿۱۴﴾
و بي‌شك بدكاران در دوزخند (۱۴)

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿۱۵﴾
روز جزا در آنجا درآیند (۱۵)

از آنجا که هبوط انسان و تغییر اقلیم و رفتار جامعه، تدریجی و یواش یواش صورت می گیرد، انسانها متوجه هبوط نمیشوند، بجز کسانی که به نشانه های نظام رحمانی توجه و دقت می کنند. زندانیهای با حبس طولانی مدت، بعد از اتمام حبس دوست ندارند از زندان خارج شوند، زیرا آنها وقتی از زندان آزاد میشوند، خیلی واضح تغییرات محیطی و اقلیمی و رفتاری جامعه را متوجه میشوند و برای آنها خوشایند نیست. اصحاب کهف زمانی که بعد از سیصد سال از خواب بیدار شدند، دوست نداشتند که در شرایط جدید به زندگی ادامه دهند و از خدا خواستند که آنان را برای همیشه از زندان زمین بیرون ببرد و خدای مهربان هم دعای آنان را استجابت کرد. تازه آن موقع اختراعات زیادی صورت نگرفته بود ولی شرایط رفتاری، اخلاقی جامعه

تغییر کرده بود و تنزل یافته بود و اصحاب کهف دوست نداشتند در چنین شرایطی روی زمین زندگی کنند.

دیگر مثل سابق، آموزش و پرورش جوامع، نتایج خوبی به بار نمی آورند. در آموزش و پرورش، دوازده سال قرآن به بچه ها یاد میدهند؛ ولی آخرش، این بچه بجایی میرسد که کتاب آسمانی قرآن را رد میکند؛ زیرا زمینش ناپاک و ناسالم و مرده است. زمین ناپاک و ناسالم یعنی محلی که شیاطین بصورت دیو بر انسانها نازل شده اند. حتی دیگر محصولات کشاورزی هم مثل سابق سالم و خالص نیستند.

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾

و زمین پاك [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید و آن [زمینی] كه ناپاك [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندك و بی‌فایده برنمی آید این گونه آیات [خود] را برای گروهی که شکر می گزارند گونه گون بیان می کنیم (۵۸)

زمین را خدا آفریده است، ولی جایی که شیاطین در آن فراخوانی شوند و نمایشات آنان وارد زندگی انسانها شود، دیگر آن زمین مرده است و فرزندان و محصولات سالمی بیرون نخواهد داد. هر چند خدای مهربان وعده داده است که اگر مردم بجای شیطان رو به خدا بیاورند، خدا آن زمین را دوباره زنده خواهد کرد.

اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾

و خدا همان کسی است که بادها را روانه می کند پس [بادها] ابری را برمی انگیزند و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده راندیم و آن زمین را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم رستاخیز [نیز] چنین است (۹)

پیامبر نوح بعد از سالها تلاش در یک جامعه مرده، اینچنین می گوید:

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

و نوح گفت پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار (۲۶)

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾

چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند (۲۷)

خدای مهربان از جامعه امنی در زمان پیامبر محمد صحبت میکند (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) **که در آن موقع امن بود. از این نظر امن بود که شیاطین در آن جامعه پا را فراتر از مرز تعیین شده نگذاشته بودند. خدای حکیم عمدا از کلمه** وَهَذَا **(و این) در آیه استفاده می فرماید زیرا میگوید این جامعه امن است یعنی جامعه آن موقع که پیام یکتاپرستی در آن جریان داشت و گرنه بعد از فوت پیامبر محمد، دیگر آن جامعه امنیت خودش را از دست داد. در آیه های بعدی دلیل امنیت یک جامعه ذکر شده است** (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ – مگر کسانی را که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته (کردار نیک)

کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت) **، دلیل امنیت آن جامعه این بود که پندار نیک و کردار نیکی در آن در حال اجرا بود. جامعه ای که امن نباشد، دیگر از نظر اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی هم امن نخواهد بود. ما در زمان قدیم در بچگی ها همیشه تنها به دبستان می رفتیم ولی حالا در شهرهای بزرگ ، حتی دمِ در خانه هم برای کودکان امن نیست. این نا امنی ها در جامعه نشان از گسترش پندار بد و کردار بد در جامعه دارد. هرجا دیوها تنزل نیافته باشند و وارد زندگی انسانها نشده باشند، جای امنی برای زندگی است.**

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾

سوگند به انجیر و زیتون (١)

وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾

و طور سینا (٢)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾

و این شهر امن [و امان] (٣)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾

[که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾

سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾

مگر کسانی را که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته (کردار نیک) کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت (۶)

خدای مهربان و مقدس در قرآن، آخرین کتاب آسمانی ، وعده زیبایی به انسانها میدهد، می فرماید کسانی که پندار نیک و کردار نیک را در این جهان رویه زندگی خویش قرار دهند، خیلی زود زندگی آنان در نظام رحمانی خواهد بود و زندگی در نظام رحمانی برای آنان لذت بخش خواهد بود.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته کرده اند (کردار نیک) به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد (۹۶)

براساس فرموده خدا در آیه متوجه خواهیم شد که تنها راه ماندن در نظام رحمانی، اخذ پندار نیک در زندگی و عمل به این پندارهای نیک است. بر طبق آیه فوق، پندار نیک و کردار نیک افراد را با خدای رحمان دوست می کند و کسی که با خدا دوست شود، دیگر نشانه هایش را رد نمی کند و ناسپاسی نمی کند. انسان باید و حتما پندار نیکش را به کردار نیک تبدیل کند تا بتواند اندوخته ای برای آخرتش کسب کند.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

ما با اخذ پندارهای نیک، محیط زیست خویش را حفظ می کنیم و نعمات و نزولات آسمانی را از دست نخواهیم داد و در این جهان زندگی آسانی خواهیم داشت. اما هدف اصلی زندگی دنیایی، بدست آوردن موقعیتی مناسب در آخرت است و برای کسب این موقعیت حتما باید پندارهای نیک خویش را به مرحله اجرا بگذاریم. پندار نیک و کردار نیک مثل طناب و گام برداشتن هستند در کوهنوردی. اگر طناب نداشته باشید، زیاد نمیتوانید از کوه بالا بروید و ممکن است در نیمه راه بیفتید. و اگر هم فقط طناب داشته باشید و برای بالا رفتن از کوه تلاش نکنید ، باز بیفایده است. و به نتیجه نهایی نخواهید رسید. اگر طناب خوبی (پندار نیک و مناسب) نداشته باشید، ممکن است در حین انجام کوهنوردی (کردار)، طناب پاره شود و سرنگونت کند. آدم باید براساس توانایی و ایمانش گام بردارد و گرنه آسیب می بیند. یکی از بهترین کارهایی که هر فردی میتواند انجام دهد به عنوان کردار نیک، آن است که در شغل و کار

روزمره خود پاک باشد و آن را به درستی و پاکی انجام دهد و خیانت نکند و دروغ نبافد.

از نظر قرآن، کسی شیطان پرست است که برخلاف نظام رحمانی عمل کند. ابراهیم خطاب به پدرش میگوید: پدر جان شیطان را پرستش نکن که شیطان، علیه خدای رحمان عصیان کرده است. **بنابراین محدود کردن شیطان پرستان به چند قبیله و گروه فراماسونی، بسیار ساده اندیشی است. شیطان پرستی در دل جامعه است.**

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾

پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿۴۵﴾

پدر جان من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی (۴۵)

زندگی دنیوی ما قسمت کوچکی از روند روز حسابرسی ماست. براساس فرموده خدا در قرآن، کسانی که می میرند، از بس که زمان زندگی در این دنیا کوتاه است، تعجب میکنند و افسوس می خورند. مثل امتحان عملی اخذ گواهینامه رانندگی که ده دقیقه از هفتاد سال عمر ماست. روز حسابرسی از همین حالا شروع شده است و بزودی مردم در پندار و کردار خویش گرفتار میشوند و یا نجات می یابند. کسانی که خدای رحمان را پرستش نمی کنند یعنی طبق نظام او زندگی نمی کنند، و بعد از مدتی زندگیشان شبیه جهنم میشود و روحیه شان با جهنم سازگار میشود. به همین خاطر

آنها خود به اختیار خویش وارد جهنم خواهند شد. این جهان فقط محل فرار است از دست وسوسه های شیاطین.

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۳﴾

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید (۱۳۳)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۴﴾

همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد (۱۳۴)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۵﴾

و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد و بر آنچه مرتکب شده اند با آنکه می دانند [که گناه است] پافشاری نمی کنند (۱۳۵)

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿۱۳۶﴾

آنان پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستانهایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست (۱۳۶)

وجود جهنم قطعی است، حتی خدای حکیم تعداد طبقات آن را هم در نظر گرفته است و آن را به هفت طبقه تقسیم کرده است. شیطان و پیروانش نمی توانند از دست جهنم رهایی یابند. این وعده خداست و بزودی تحقق می یابد.

خدای مهربان قبل از آفرینش انسانها، دو عهد و پیمان از بنی آدم گرفت یکی شهادت به ربوبیت خدا و دیگری پیروی نکردن و عبادت نکردن شیطان. بنابراین رد کردن نظام رحمانی به هیچ بهانه ای قابل قبول نیست.

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۶۰﴾
ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست (۶۰)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿۱۷۲﴾
و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم (۱۷۲)

یعنی این دو عهد و پیمان هر دو با هم برای زندگی پاک لازمند و نباید هیچکدام کنار زده شود.

یکم: ایمان به ربوبیت پروردگار (پندار نیک)

دوم: عدم پرستش شیطان و عدم پیروی از نظام شیطانی (کردار نیک)